



رزق

پرسش: چه عملی انجام دهیم که رزق و روزی ما زیاد گردد؟

فهرست مندرجات

- ۱ - رزق در لغت
- ۲ - تلاش از منظر قرآن
- ۳ - تشویق به تجارت در روایات
- ۴ - توکل
- ۵ - درآمد و برکت
- ۶ - فناعت
- ۷ - خلاصه و جمع‌بندی
- ۸ - معرفی منابع بیشتر
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

رزق در لغت

پاسخ:
رزق به معنای روزی و عطای دائمی می باشد، حال چه دنیوی و چه اخروی و چه مادی و چه معنوی باشد رزق می‌گویند. در [قرآن](#) شریف به [نبوت](#) و [معرفت](#) نیز رزق گفته شده است.
[۱] قریشی، سیداکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۱، ص ۸۲.

تلاش از منظر قرآن

قرآن شریف می‌فرماید: «ان لَیْسَ لِلانْسَانِ اِلَّا ما سَعَى»
[۲] [نجم/سوره ۵۳، آیه ۳۹.](#)
«این که برای انسان هیچ چیز نیست مگر آن چه کوشیده است» سعی یعنی حرکت سریع و تلاش همه جانبه، [خیر](#) و [بشر](#)، سود و زیان، فلاکت و [کرامت](#)، تنگدستی و [توسعه](#) در رزق و روزی. همه به تلاش انسان بستگی دارد و هر کاری که شخصاً انجام می‌دهد از آن بهره می‌گیرد.
[۳] [المیزان، جاب بیروت، ج ۱۹، ص ۴۶.](#)
در جای دیگر قرآن شریف می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِما تَسْعَى»
[۴] [طه/سوره ۲۰، آیه ۱۵.](#)
یعنی هر کس بر وفق کوشش و تلاش جزا یابد. [آیات](#) زیادی وجود دارد که تلاش دنیایی را زمینه‌ساز بهره‌های بزرگ اخروی می‌دانند. در [سوره شرح](#) می‌فرماید: «فَإِذَا فَرَعْتَ فَاَنْصَبْ وَ اِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ»
[۵] [شرح/سوره ۹۴، آیه ۷-۸.](#)
پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز و به سوی پروردگارت توجه کن.

تشویق به تجارت در روایات

در کتاب شریف وسائل الشیعه باب و فصلی آمده تحت عنوان این که: [مستحب](#) است انسان به دنبال زمینه‌ها و اسباب روزی برود. در این باب [روایات](#) زیادی آمده است که انسان به تلاش همه جانبه، تولید و [تجارت](#) دعوت می‌کند، [حدیثی](#) از [امام صادق](#) - علیه السلام - نقل شده که [امام](#) - علیه السلام - می‌فرماید: «تَسَعُّهُ اَعْشَارُ الرِّزْقِ فِی التِّجَارَةِ»
[۶] [جر عاملی، مجد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴، ۲۱۸۴۵.](#)
یعنی نه دهم (۹/۱۰) روزی در تجارت است. حدیث دیگری از امام صادق - علیه السلام - نقل شده که می‌فرماید: «التِّجَارَةُ تَزِيدُ فِی الْعَقْلِ»

[۱۷] وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴، ح ۲۱۸۴۵.

یعنی تجارت عقل را زیاد می‌کند. در حدیث دیگر آمده: «عزت انسان در بازار است و در بازار بدست می‌آید.»
[۱۸] وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵.

باب دیگری در همین کتاب آمده: ترک تجارت **میکروه** و ناپسند است. در این باب روایات زیادی آمده از جمله، حدیثی از امام صادق - علیه السلام - نقل شده: «تُرْكُ التَّجَارَةِ يَقْصُ الْعَقْلَ»

[۱۹] وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵.

ترک تجارت، عقل انسان را کم می‌کند. در حدیث دیگر آمده: «تُرْكُ التَّجَارَةِ مَرْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ»

[۲۰] وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۶.

یعنی ترک تجارت عقل انسان را از بین می‌برد. باب و فصل دیگری در همین کتاب آمده تحت عنوان این که: **خرید و فروش** مستحب و پسندیده است. احادیث زیادی در این باب آمده است از جمله: «...فَاتِ الرَّزْقُ يَنْزِلُ مَعَ الشَّرَاءِ»

[۲۱] وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹.

روزی با خرید و فروش نازل می‌شود و فرو می‌آید. به هر تقدیر تمام روایات این کتاب یعنی ج ۱۷ وسایل الشیعه در رابطه با تجارت و **تشیویق** به آن است که بررسی همه آن در این نوشتار، مقدور نیست. این روایات از باب مشت نمونه خروار نقل شده است.

به هر حال مسأله روزی، تأمین زندگی آبرومندانه و سرافرازانه و دور از تکذگی و تن‌پروری، از نظر **دین اسلام** بسیار مهم و مورد توجه است. در **رساله عملیه** همه **فقها** آمده است: اگر در حال **نماز**، مال تو را حتی کفش تو را **زدی** ربوده است، نمازت را رها کن و با حدیث تمام، دزد را تعقیب نما، هم چنین اگر در حال نماز ایستاده‌ای، اگر طلبکاری برای طلب خود به منزل شما آمده است، شما اگر می‌توانی پول از جیب خود بیرون آوری و بر زمین نهی تا طلبکار دین را طلبکار دین را دریافت نماید، چنین کن وگرنه نماز را بشکن و طلب خود را بپرداز. سپس نماز را بخوان، چرا؟ چون «الدُّنْيَا مَرْعَةُ الْآخِرَةِ»

[۲۲] مجدی ری شهری، مجد، میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۸۵.

و «من لا معاش له لامعاده».

[۲۳] مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۹۵.

مال و سرمایه هر کس به منزله **ناموسی** او محسوب می‌شود و یکی از نوامیس پنجگانه، مال انسان است. به مسأله «حق التَّاسِ چقدر مورد توجه اسلام عزیز قرار گرفته است، همه این گویای آن است که زندگی شرافتمندانه به بلندای زندگی اخروی مهم و دارای اهمیت است و باید با حدیث بدان نگریست. اسلام عزیز نه تن‌پروری را می‌پسندد و نه تکذگی را. افرادی که «کلّ» بر جامعه می‌شوند لعنت می‌فرستد. «علی بن عبدالعزیز می‌گوید امام صادق - علیه السلام - از من پرسید: عمرو بن مسلم چه می‌کند؟ عرض کردم: فدایت شوم، به **عبادت** رو آورده و تجارت را رها کرده است. فرمود: وای بر او! آیا نمی‌داند کسی که طلب روزی و کسب و کار را رها کند **دعایش مستجاب** نمی‌شود، هنگامی که آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»

[۲۴] **طلاق/سوره ۶۵، آیه ۲-۳.**

«هر کس **تقوی** بورزد **خداوند** او را در بن‌بست نمی‌گذارد و راهی برای او باز می‌کند و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد» نازل شد، گروهی از یاران **رسول خدا** - صلی الله علیه و آله - درها را بر خویش فرو بستند، و فقط به عبادت روی آوردند و گفتند: از کسب و کار بی‌نیاز شدیم و از سوی خدا کفایت می‌شویم! این موضوع، خیرش به **پیامبر** - صلی الله علیه و آله - رسید، نزد آنان فرستاد و آنها را احضار فرمود: و گفت: چه چیز شما را بر این کار واداشته است؟ عرض کردند: ای پیامبر خدا - در آن آیه - خداوند متکفل روزی ما شد و ما به عبادت روی آوردیم. فرمود: هر کس چنین کند - **کسب** را رها سازد - دعایش مستجاب نمی‌شود، بر شما باد که در طلب روزی باشید و به کسب و معیشت بپردازید».

[۱۵] **وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵.**

در وسائل الشیعه فصل و بابی آمده تحت عنوان این که: کار با دست مستحب و پسندیده است. در یکی از احادیث این باب آمده که امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: من دوست دارم مرد در طلب زندگی و روزی عرق بریزد.

[۱۶] **وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷.**

توکل

توکل، **توسل**، **دعا** و...: واژه‌های که بار معنایی آنها مذهبی و دینی می‌باشد، باید درست و دقیق معنا شود. برخی‌ها توکل را، تنبلی، تن‌پروری و تکذگی معنا می‌کنند. توکل یعنی با **اعتماد** به خدا و با اطمینان به **تدبیر** خداوند، برو دنبال تلاش و تولید. یعنی از تو حرکت، از خدا **برکت**، نه به معنایی مفت خوری و تکذگی‌گری. توسل و دعا هم در جامعه دینی و امت معنا نشده است. دعا یعنی خواندن و ارتباط نیکو با خدا نه به معنای تقاضای زندگی بسیار مرفه از خداوند و بعد هم نشستن و منتظر بسته‌بندیهای آسمانی ماندن.

آن دعا از هفت گردون درگذشت

کار آن مسکین باخر خوب گشت

کأن دعای شیخ نه چون هر دعاست

فانی است و گفت او گفت خداست

[۱۷] مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ابیات ۲۲۴۲ - ۲۲۴۳، ص ۱۴۳.

دعا باید بُرد داشته باشد و از هفت گردون گذر نماید. **استجاب** دعا نیز به زمینه‌های معنوی نیاز دارد.

درآمد و برکت

تلاش و تجارت، درآمدزاست و توکل و دعا و توسل و... برکت‌زا. درآمد یک چیزی است و برکت چیز دیگر. خیلی‌ها درآمد زیادی دارند ولی زندگی‌شان رونق و صفا ندارد. برخی درآمدشان اندک است ولی زندگی‌شان باصفا و آرام است.

فناعت

در اسلام به **فناعت** زیبا و میانه‌روی در زندگی سفارش زیادی شده است. قرآن شریف در یک تعبیر و تشبیه بسیار زیبا می‌فرماید: «دست را (از شدت **بخل** و **حرص**) برگردنت مبند، و نیز بسیار گشاده‌اش مدار که ملامت‌زده و درمانده می‌نشینی»

[۱۸] [اسری/سوره ۱۷، آیه ۲۹.](#)

یعنی نه خیلی باید [حریص](#) بود که انگار دست انسان شکسته و به گردن آویزان است و اصلاً به جیب نمی‌رود و نه خیلی گشاده دستی که خود و خانواده‌ات درمانده شوند بلکه باید [میان‌روی](#) در زندگی را جدی گرفت. [رسول اسلام](#) - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: «الْقِنَاعَةُ مَالٌ لَا يُبْنَعُ»

[۱۹] [نهج‌الفصاحه](#)، ج ۲۱۱۱، ص ۴۴۸.
قناعت مالی است که تمام نمی‌شود.

خلاصه و جمع‌بندی

آنچه به طور مسلم از آیات و روایات بدست می‌آید، این است که برای زیاد شدن روزی به تلاش شبانه‌روزی و همه‌جانبه نیاز است. تولید و درآمد توسعه‌دار بدون تلاش - چه فکری و چه جسمی - معنا ندارد و سرابی بیش نیست. تلاش و به دنبال آن تولید گاهی در تجارت، گاهی در صنعت، گاهی در کشاورزی، گاهی در هنر، گاهی در تحقیق و تولید علم و گاهی... بدست می‌آید و علاقه‌ها و سلیقه‌ها و شؤون اجتماعی و خانوادگی افراد در انتخاب آنها نقش دارد. این کار حرکت است و درآمد زاست و به دنبال آن باید از خداوند برکت و توسعه معنوی تقاضا نمود که این کار از راه توکل، توسل، دعا، عبادت، [پرهیزکاری](#) و رعایت [حلال](#) و [حرام الهی](#)، پرداخت [خمس](#) و [زکات](#) و [صدقه](#)، قناعت زیبا، [پیرنامه‌ریزی](#) و پس‌انداز و غیره بدست می‌آید. پس برای زیاد شدن روزی، عوامل زیادی اعم از عوامل مادی و معنوی دخیل است تا روزی انسان زیاد شود و برکت معنوی پیدا کند.

معرفی منابع بیشتر

۱. کار در اسلام اثر استاد ابراهیمی.
۲. موازنة اسلام بين دين و دنيا، اثر چند تن از محققین.

پانویس

۱. [↑](#) قریشی، سیداکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۱، ص ۸۲.
۲. [↑](#) [نجم/سوره ۵۳، آیه ۲۹.](#)
۳. [↑](#) [المیزان، چاپ بیروت، ج ۱۹، ص ۴۶.](#)
۴. [↑](#) [طه/سوره ۲۰، آیه ۱۵.](#)
۵. [↑](#) [شرح/سوره ۹۴، آیه ۷-۸.](#)
۶. [↑](#) [حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۴، ح ۲۱۸۴۵.](#)
۷. [↑](#) [وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۴، ح ۲۱۸۴۵.](#)
۸. [↑](#) [وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۵.](#)
۹. [↑](#) [وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۵.](#)
۱۰. [↑](#) [وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۶.](#)
۱۱. [↑](#) [وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۹.](#)
۱۲. [↑](#) [مجدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۸۵.](#)
۱۳. [↑](#) [مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۹۵.](#)
۱۴. [↑](#) [طلاق/سوره ۶۵، آیه ۲-۳.](#)
۱۵. [↑](#) [وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵.](#)
۱۶. [↑](#) [وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷.](#)
۱۷. [↑](#) [مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ابیات ۲۲۴۲ - ۲۲۴۳، ص ۱۴۳.](#)
۱۸. [↑](#) [اسری/سوره ۱۷، آیه ۲۹.](#)
۱۹. [↑](#) [نهج‌الفصاحه، ج ۲۱۱۱، ص ۴۴۸.](#)

منبع

[اندیشه قم.](#)